

نگاهی به «تئاتر اندیمشک» در گذر

تاریخ

شهرستان اندیمشک، بنا ۱۴۰ هزار نفر جمعیت و حدود ۳۴۰ کیلومتر مربع مساحت در شمال استان «خوزستان» واقع شده و در طول تاریخ حیات خویش همواره به عنوان «پایگاه» و «خاستگاه» ادب و هنر ایران زمین مطرح بوده و نام آن در صحیفه زرین تاریخ هنر پویای این سرزمین حک شده است. اندیمشکی با هنر زنده است یعنی با «عشق به هنر» به دنیا می‌آید، با «هنر» زندگی می‌کند و در یک «نمای زیبای هنری» از دنیا می‌رود. تئاتر و هنر در گوشت و پوست و روح مردمش جای گرفته و در این منطقه کمتر کسی را می‌توان یافت که با هنر نمایش بیگانه باشد.

تاریخ به صراحت بیان می‌کند که:

«یکی از نخستین مراکز اجرای تئاتر در تاریخ ایران در اندیمشک قرار گرفته است»

تاریخ تئاتر در اندیمشک، ۲۵۰۰ سال سابقه دارد.

داریوش هخامنشی پس از فتح شهر «ارتیریا» (Erteria) در جزیره زیبای «اوبویا» (Euboea) یونان در بهار سال ۴۹۰ پیش از میلاد مسیح، تمام ۲۰۰۰۰ نفر ساکن این شهر ثروتمند و هنر دوست و مرکز غله آن را به پای تخت دولت هخامنشی، یعنی «اران خوره شاهپور» (شوش) انتقال داده و جهت جلوگیری از امتزاج آنان با مردم پاک‌نژاد آریایی و لزوم مراقبت شدید، و در عین حال بهره‌وری مطلوب از هنر ساختمانی، سفال‌سازی، و هنرهای ظریف جواهر سازی و پیکرتراشی و نقاشی خاص یونانی، این عده را در کاروانسرای مخصوص شاهی در «کیسیه» (Cissia) جای داد. این مکان که بعدها «اردریکا» (Arderricca) نام گرفت، در ۲۱۰ استادی شوش واقع شده و با یک جاده سنگفرش به مرکز حکومت مرتبط گردید.

یونانیان به یاد سرزمین آباء و اجدادی خویش، در ساحل رود کابنیت (Cabnit) - که امروز -- رود خوانده می‌شود - شهر زیبای «اری ترین» (Eretrian) را بنا نهادند. این شهر که نمونه عالی تمدن هلنیستی و یونانی مآبی است و به داشتن خیابان‌ها و چهارراه‌های منظم و شطرنجی شکل و تأسیسات خاص «شورای خلق» (مجلس) ورزشگاه، مراکز آموزش (شبه آکادمی) شهرت فراوان داشته؛ در حوالی سال ۴۸۰ پیش از میلاد ساختمان زیبا و خیره کننده «سالن نمایشی» به سبک معماری یونانی آنتی- را در دل شهر پی‌ریزی کردند. تاریخ به ما می‌گوید در مراسم افتتاح سالن نمایش که تماماً از ستون‌های سنگی ساخته شده بود، نماینده‌ای از طرف پادشاه هخامنشی نیز حضور داشت و «جشنواره تئاتر باستانی دیونوسوس» برای مردم یونانی زبان این شهر به روی صحنه رفت.

برگزاری سالانه و منظم و بدون وقفه این جشنواره و نمایش‌های دیگر اسطوره‌ها «هرکول، آتنا، هرا، آرتیمس» در طول حکومت سلسله‌های هخامنشی، سلوکی و اشکانی (حدافل تا بهار



۱۳۸ میلادی، یعنی فتح و ویرانی شهر به دست (مهرداد یا میترادات اول اشکانی) به سردمداران یونانی متعصب و وطن پرست آن فرصت می‌داد تا یاد و خاطره زادگاه خود را برای نسل‌های بعدی که اندک‌اندک در اقیانوس نژادی بومیان حل می‌شدند، زنده بماند.

نخستین تئاتر باستانی ایران، یک حرکت «فرهنگی» برنامه‌ریزی شده برای القاء فرهنگ و تمدن یونانی بود در نزدیکی پای تخت کشور، ضمن احیاء ارزش‌های خاص «هنر هلنی» و توجه به دیدگاه‌های آفرینندگان متون و بازی سازان و هنرمندانی که به عنوان «اسیر» در ایران زندگی می‌کردند.

نیم نگاهی به سکه‌ها، سفال‌ها، بناهای به جا مانده و کشف شده و ستون‌های مرمرین این شهر در شمال شهرستان اندیمشک، ما را برای یافتن بقایای «تئاتر» باستانی که فرهنگ خود باور تئاتر پویای ما بدان نیاز اساسی و بایسته و شایسته دارد یاری خواهد نمود.

سال‌های سال، اری‌ترین در غبار تاریخ به فراموشی سپرده شد؛ اما عشق «ودیع» ای بود الهی در دل مردم هنرمند این دیار. سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در تاریخ هنر اندیمشک به یادگار مانده است: «اولین جلسه تمرین تئاتر» در دبستان نوبیناد «شاپور».

همه دست به دست هم دادند و در ضیافت عشق اراده‌هاشان، یک سیدگل یاس خوشبوی هنری آفرینند نقشی از عشق و شور و محبت در نمایشی به نام «عباسه و جعفر بومکی» با بازیگری آقایان «دوواج»، «علی بهاروند»، و «مرحوم استوارزاده» زیر نظر مرحوم «پورمهدی». بازی سازان نمایش (حتی آنها که نقش زن داشتند) همگی مرد بودند و آن را یک هفته برای مردم و دانش‌آموزان به روی صحنه بردند و استقبال کم نظیر علاقمندان یک نتیجه در برداشت: تشویق تئاتری‌ها به پویایی حرکت خویش.